

# بیشعوران

آینه‌ای برای خویشتن و دیگران  
محمود وزجانی

www.ketab.ir

سرشناسه: فرجامی، محمود ۱۳۵۶-  
عنوان و نام پدیدآور: بیشعوران: آینه‌ای برای خویشتن و دیگران / محمود فرجامی.  
مشخصات نشر: تهران: روزنه، ۱۴۰۰.  
مشخصات ظاهری: ۱۸۸ ص. رقعی  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۳۴-۳۶۵-۱  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا  
موضوع: خودشناسی / شخصیت / اختلالات شخصیتی — درمان / رفتار — تغییر و تعدیل  
Self-perception / Personality / Personality disorders -- Treatment  
موضوع: Behavior modification  
رده‌بندی کنگره: BF۷۲۲/۳  
رده‌بندی دیویی: ۱۵۵/۲  
شماره کتابخانه ملی: ۷۶۱۸۷۲۴



# بیشعوران

آینه‌ای برای خویشتن و دیگران  
محمود فرجامی

طراح جلد: سیدصدرالدین بهشتی

چاپ اول: ۱۴۰۰

قیمت: ۵۶۵۰۰ تومان

چاپ و صحافی: پردیس دانش

آدرس: خیابان مطهری، خیابان میرزای شیرازی جنوبی، پلاک ۲۰۲، واحد ۳

تلفن: ۸۸۵۳۶۳۱-۸۸۵۳۷۳۰ فاکس: ۸۶۰۳۴۳۵۹

www.rowzanehnashr.com rowzanehnashr rowzanehnashr

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۳۴-۳۶۵-۱ ISBN: 978-622-234-365-1

تمام حقوق برای ناشر و نویسنده محفوظ است

## فهرست

دیباجه ..... ۱۱

ساختار «بیشعوران» ..... ۱۵

**فصل یکم: شناخت بیشعوران** ..... ۱۹

نشانه‌های عمومی بیشعوران ..... ۲۱

بیشعوری، عادت یا اعتیاد؟ ..... ۲۷

پرسش بزرگ: آیا من هم بیشعورم؟ ..... ۳۱

چه کسانی در معرض بیشعوری‌اند؟ ..... ۳۵

درجات بیشعوری ..... ۴۱

**فصل دوم: زیست بیشعوران** ..... ۵۱

بیشعوران و منطق ..... ۵۳

قول و قرار بیشعوران ..... ۵۷

دوستی بیشعوران ..... ۶۱

دشمنی بیشعوران ..... ۶۹

اعتماد به نفس بیشعوران ..... ۷۳

|     |       |                                   |
|-----|-------|-----------------------------------|
| ۷۹  | ..... | بیشعوران، مسئولیت‌گریزی و فرافکنی |
| ۸۳  | ..... | عذرخواهی بیشعوران                 |
| ۸۷  | ..... | بیشعوران و انتقاد                 |
| ۹۵  | ..... | رنجش بیشعوران                     |
| ۹۹  | ..... | بیشعوران و شوخ‌طبعی               |
| ۱۰۳ | ..... | بیشعوران و جنسیت                  |
| ۱۰۷ | ..... | بیشعور و محیط‌زیست                |
| ۱۱۳ | ..... | رانندگی بیشعوران                  |

## فصل سوم: گونه‌های بیشعور

|     |       |                         |
|-----|-------|-------------------------|
| ۱۱۷ | ..... | بیشعور همه‌چیزدان       |
| ۱۱۹ | ..... | بیشعور همه‌چیزدان غرغرو |
| ۱۲۵ | ..... | بیشعور از خود متشکر     |
| ۱۲۹ | ..... | بیشعور موفق             |
| ۱۳۳ | ..... | بیشعور دانشگاهی         |
| ۱۳۷ | ..... | بیشعور متعصب            |
| ۱۴۵ | ..... | بیشعور نژادپرست         |
| ۱۵۱ | ..... | بیشعوران مجازی          |
| ۱۵۷ | ..... | بیشعور بیشعوریاب        |

## فصل چهارم: پرورش بیشعوران

|     |       |                        |
|-----|-------|------------------------|
| ۱۶۵ | ..... | خانواده بیشعورپرور     |
| ۱۶۷ | ..... | آموزش و پرورش بیشعوران |
| ۱۷۱ | ..... | رسانه‌ها و بیشعوران    |
| ۱۷۵ | ..... | سایر بیشعورپروران      |

## سخن پایانی

## دیباچه

سال ۸۶ بود که یکی از آشناهای ساکن خارج کشور پیغام داد برای دیدن خانواده‌اش چند هفته‌ای به تهران می‌آید، اگر چیزی لازم داریم بگوییم که بیاورد. من هم کتاب سفارش دادم و چون اطلاعات دقیق و زیادی از کتاب‌های روز دنیا در زمینه تخصصی‌ام داشتم برایش نوشتم «چند تا کتاب طنزآمیز جالب به صلاحدید خودتان!».

صلاحدید آن جناب چیزی بود که بر زندگی من و بعدها شاید خیلی‌های دیگر اثر گذاشت: در میان کتاب‌ها، کتابی بود درباره Assholism که در یکی از صفحات نخستین آن تقدیم‌نامه‌ای چاپ شده بود: «تقدیم به شما با آرزوی بهبودی. دوستار...». کمی برخورنده بود اما به نظرم جالب رسید، و همین که چند صفحه‌ای از آن را خواندم به دو نتیجه رسیدم؛ اول اینکه این کتاب بسیار بیشتر از کمی برخوردار است! و دیگر آنکه حتماً باید به فارسی ترجمه شود.

نویسنده، با نام مستعار خاویر کرمنت<sup>۱</sup>، ایده درخشانی را به کتابی طنزآمیز تبدیل کرده بود: اینکه Assholism (که من آن را به بیشعوری ترجمه کردم) نه یک سری اخلاق و صفات ناپسند قابل چشم‌پوشی، که یک بیماری خطرناک انسانی است که

حتماً باید معالجه شود وگرنه فرد بیمار (بیشعور) را به سوی نابودی و عذاب دادن خود و به خصوص اطرافیانش می‌کشاند. البته کتاب، کتابی بود طنزآمیز و قرار بود جدی گرفته نشود، خاصه آنکه نویسنده در ابتدا و چند جای کتاب اشاره کرده بود که تمامی اسامی و وقایع خیالی هستند و این کتاب را نباید جدی گرفت. من هم به عنوان یک طنزنویس قرار بود که بیش از همه حواسم باشد که متن‌های طنزآمیز و شوخ‌طبعانه را که درظاهر به طور جدی نوشته می‌شوند را با متن‌های جدی اشتباه نگیرم و به قولی سر کار نروم؛ اما اتفاقی عجیبی داشت می‌افتاد: با هر صفحه از کتاب احساس می‌کردم چیزی در خودم کشف می‌کنم و هر بار که جلوی آینه می‌رفتم ناخودآگاه چیزی زیر لب می‌گفتم؛ چیزی که نامفهوم بود و من هم دوست نداشتم بفهمم چیست اما هر روز بلندتر و واضح‌تر می‌شد تا جایی که دیگر نمی‌شد شنیدش: «تو هم بیشعوری!»

سابقه حرف زدن با آینه را از بچگی داشتم و از قربان صدقه رفتن تا درد دل و استدلال و حتی فحش و کتک کاری را با انواع آینه‌ها (به‌ویژه آینه‌های دستشویی که علاقه خاصی به آنها دارم) تجربه کرده بودم، اما هیچ‌وقت نشده بود که چشم در چشم طرف بدوزم و با شهودی آمیخته به ترخم و نازجار به یارو بگویم: «بیشعوری!».

- چی گفتی؟

- گفتم بیشعوری!

- خودت بیشعوری.

- من هم دقیقاً منظورم همین بود!

- اصلاً این بیشعوری که این روزها شده ورد کلامت یعنی چه؟

بیشعوری یعنی تجاوز آگاهانه به حقوق دیگران. مخلوط غریبی از حماقت و زرنگ‌بازی و بی‌شرمی. دیگران را احمق فرض کردن و خود را به خیریت زدن برای رسیدن به چیزی که شایسته‌اش نیستی. به قول قدیمی‌ها: خرم‌رزدندی. سوءاستفاده از موقعیت شغلی، اجتماعی، خانوادگی و عاطفی. تبدیل کردن موقعیت، رابطه و تخصص به ابزاری برای دوشیدن دیگران یا تحقیرشان یا تجاوز به حقشان، در حالی که می‌دانی کارت اشتباه است.

- ریشت را بزن. کف‌ها خشک شدند. دنیا پر است از آدم‌های احمق؛ که چی؟